**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه290– 05 /07/ 1399 اقصی مدت حمل /مساله‌ی پانزدهم تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

مساله‌ی پانزدهم تکمله‌ی عروه به پایان رسید. قسمتی از مساله‌ی شانزدهم در سال گذشته بحث شد و بخش دیگر آن مطلب خاصی ندارد؛ در نتیجه وارد مساله‌ی هفدهم می شویم.

# مساله‌ی هفدهم تکمله‌ی عروه

مسألة 17: إذا ادعت الحمل بعد الطلاق صبر عليها ما دام محتملا إلى أقصى الحمل‌ و فيه أقوال: فالمشهور أنّه تسعة أشهر و استدلوا بجملة من الأخبار، و قيل أنّه عشرة أشهر و لا دليل عليه، و الأقوى أنّه سنة كما عليه جماعة و يدل عليه مضافا إلى الوجدان كما في المسالك حيث قال: قد وقع في زماننا ما يدل عليه صحيحة عبد الرحمن بن الحجاج «سمعت أبا إبراهيم (ع) يقول: إذا طلق الرجل امرأته فادعت حبلا انتظرت تسعة أشهر فإن ولدت و إلّا اعتدت بثلاثة أشهر ثمّ قد بانت منه». و خبر محمّد بن الحكيم و يدل عليه أيضا المرسل «عن عليّ (ع) ادنى ما تحمل المرأة لستة أشهر و أكثر ما تحمل لسنة و أمّا أخبار المشهور فمنزّلة على الغالب».[[1]](#footnote-1)

اگر پس از طلاق زن ادعا کند حامله است، مرد باید تا زمانی که احتمال حمل وجود دارد، صبر کند. در مورد حداکثر مدت حاملگی چند قول وجود دارد:

1. نه ماه؛ که روایاتی بر آن دلالت دارند.
2. ده ماه که دلیلی ندارد.
3. یک سال که اقوی می باشد.

این مساله در کتاب نکاح[[2]](#footnote-2) مفصل بحث شده است. آیت الله والد در بررسی اقوال می فرماید:

«قول به نُه ماه را گاهى به أشهر و گاهى به مشهور نسبت داده‌اند، ولى با مراجعه روشن مى‌شود كه قطعاً نُه ماه، نه مشهور است و نه اشهر»

سپس کلام سید مرتضی را نقل می کند که ظاهرا سهو اللسان شده است؛ زیرا عبارتی که نقل کرده اند، کلام ابن ادریس می باشد. محصل کلام ابن ادریس این است که گر چه اکثر حمل می تواند یک سال باشد ولی پس از نه ماه بعضی از احکام ظاهریه جاری نمی شود؛ اما حکم نفی ولد که در جایی است که احتمال حمل وجود داشته باشد، جاری است؛ زیرا احتمال حمل تا یک سال وجود دارد. [[3]](#footnote-3)

قبل از ابن ادریس شیخ طوسی نیز مطالبی در این مورد بیان کرده است که آیت الله والد به آن ها اشاره نکرده است.

## کلام شیخ طوسی در نهایه

«إن جاءت بالولد لأكثر من تسعة أشهر، كان له نفيه. إلّا أنه متى نفاه، و رافعته المرأة إلى الحاكم، كان عليه ملاعنتها»[[4]](#footnote-4)

«و متى كان عند الرّجل أربع نساء، و هو غائب عنهنّ.

و طلّق واحدة منهنّ، لم يجز له أن يعقد على أخرى، إلا بعد أن يمضي تسعة أشهر، لأنّ في ذلك مدّة الأجلين: فساد الحيض و وضع الحمل.»[[5]](#footnote-5)

«فإن ارتابت بالحمل بعد أن طلّقها، أو ادّعت ذلك، صبر عليها تسعة أشهر، ثمَّ تعتدّ بعد ذلك ثلاثة أشهر، و قد بانت منه فإن ادّعت بعد انقضاء هذه المدّة حملا، لم يلتفت الى دعواها، و كانت باطلة.»[[6]](#footnote-6)

می فرماید: اگر زن پس از طلاق احتمال دهد که حامله است یا ادعای حاملگی کند، در این صورت باید نه ماه صبر کنند و سپس زن باید سه ماه عده نگه دارد تا بینونت حاصل شود. اگر پس از یک سال ادعای حمل کند، به ادعای او اعتنایی نمی شود.

از مجموع این عبارات به دست می آید که بعضی از احکام وضع حمل با نه ماه سپری می شود. اگر در نه ماه بچه متولد شود، مرد نمی تواند نفی ولد کند؛ اما پس از نه ماه نفی ولد جائز است.

اگر مرد از زن خبر نداشته باشد که مرتابه می باشد یا نه، می تواند پس از نه ماه زن چهارم بگیرد.

اما اگر زن احتمال دهد که حامله است یا ادعای حمل کند باید یک سال صبر کند.

از عبارات شیخ طوسی به دست می آید که اکثر حمل، یک سال می باشد.

## ادله‌ی نه ماه

مرحوم سید می فرماید: برای قول «نه ماه» به روایاتی استدلال شده است:

### روایت ابی حمزه ثمالی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْخَلْقِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ طِينٍ أَفَاضَ بِهَا كَإِفَاضَةِ الْقِدَاحِ‏ فَأَخْرَجَ الْمُسْلِمَ فَجَعَلَهُ سَعِيداً وَ جَعَلَ الْكَافِرَ شَقِيّاً فَإِذَا وَقَعَتِ النُّطْفَةُ تَلَقَّتْهَا الْمَلَائِكَةُ فَصَوَّرُوهَا ثُمَّ قَالُوا يَا رَبِّ أَ ذَكَراً أَوْ أُنْثَى فَيَقُولُ الرَّبُّ جَلَّ جَلَالُهُ أَيَّ ذَلِكَ شَاءَ فَيَقُولَانِ تَبَارَكَ‏ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ‏ ثُمَّ تُوضَعُ فِي بَطْنِهَا فَتَرَدَّدُ تِسْعَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ عِرْقٍ وَ مَفْصِلٍ وَ مِنْهَا لِلرَّحِمِ ثَلَاثَةُ أَقْفَالٍ قُفْلٌ فِي أَعْلَاهَا مِمَّا يَلِي أَعْلَى الصُّرَّةِ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ وَ الْقُفْلُ الْآخَرُ وَسَطَهَا وَ الْقُفْلُ الْآخَرُ أَسْفَلَ مِنَ الرَّحِمِ فَيُوضَعُ بَعْدَ تِسْعَةِ أَيَّامٍ فِي الْقُفْلِ الْأَعْلَى فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُصِيبُ الْمَرْأَةَ خُبْثُ النَّفْسِ وَ التَّهَوُّعُ‏ ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْقُفْلِ الْأَوْسَطِ فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ صُرَّةُ الصَّبِيِ‏ فِيهَا مَجْمَعُ الْعُرُوقِ وَ عُرُوقُ الْمَرْأَةِ كُلُّهَا مِنْهَا يَدْخُلُ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ مِنْ تِلْكَ الْعُرُوقِ ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْقُفْلِ الْأَسْفَلِ فَيَمْكُثُ فِيهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فَذَلِكَ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ ثُمَّ تُطْلَقُ الْمَرْأَةُ فَكُلَّمَا طُلِقَتْ انْقَطَعَ عِرْقٌ مِنْ صُرَّةِ الصَّبِيِّ فَأَصَابَهَا ذَلِكَ الْوَجَعُ وَ يَدُهُ عَلَى صُرَّتِهِ حَتَّى يَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ وَ يَدُهُ مَبْسُوطَةٌ فَيَكُونُ رِزْقُهُ حِينَئِذٍ مِنْ فِيهِ.[[7]](#footnote-7)

آیت الله والد در کتاب نکاح این روایت را بیان کرده[[8]](#footnote-8) و بحث سندی کرده است که محصل آن چنین است:

بعضی محمد بن فضیل را محمد بن قاسم بن فضیل بن یسار دانسته اند که گاهی او را با عنوان «محمد بن فضیل» به جد نسبت داده اند. آیت الله والد این مطلب را رد کرده و می فرماید: محمد بن فضیل همان محمد بن فضیل بن کثیر ازدی صیرفی کوفی است و ثقه می باشد و رمی به غلوی که در مورد او ذکر شده است، صحیح نمی باشد.

از این روایت استفاده می شود که حداکثر زمان حمل، نه ماه می باشد. البته کسانی که حداکثر مدت حمل را نه می دانند، دقیقا نه ماه مد نظرشان نیست؛ بلکه منظورشان حدود نه ماه می باشد. از یک روایت استفاده می شود که مدت حمل دقیقا نه ماه می باشد که از نظر سند و دلالت اشکال دارد:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غَايَةِ الْحَمْلِ بِالْوَلَدِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ كَمْ‏ هُوَ فَإِنَ‏ النَّاسَ‏ يَقُولُونَ‏ رُبَّمَا بَقِيَ فِي بَطْنِهَا سِنِينَ فَقَالَ كَذَبُوا أَقْصَى حَدِّ الْحَمْلِ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ لَا يَزِيدُ لَحْظَةً وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَ أُمَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ.[[9]](#footnote-9)

این روایت مرسل است و سندا مشکل دارد. از نظر متن نیز اشکال دارد و عبارت وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَ أُمَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ خلاف واقع است و چه بسا فرزندی پس از نه ماه متولد می شود و مادرش نیز زنده می ماند.

### روایت وهب بن وهب

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ يَعِيشُ‏ الْوَلَدُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ لِسَبْعَةِ أَشْهُرٍ وَ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ وَ لَا يَعِيشُ لِثَمَانِيَةِ أَشْهُرٍ.[[10]](#footnote-10)

آیت الله والد در مورد دلالت این روایت می فرماید: «در اين روايت مقدارى را مقسم قرار داده كه از نُه ماه بيشتر نيست، در واقع مقسم، عبارت از مواردى است كه قابليت وضع حمل سالم داشته باشد كه آن هم حمل شش ماه يا هفت ماه يا هشت ماه و يا نُه ماه است، كمتر را ذكر نكرده چون حمل كمتر از شش ماه نمى‌شود، بيشتر را هم ذكر نكرده براى اينكه بيشتر نمى‌شود، متفاهم عرفى اين است كه كمتر و بيشتر از آن حمل نيست، لذا با اين بيان حداكثر و حداقل حمل كه موضوع اعاشه است، تعيين شده است. البته اگر كسى مناقشه كند كه چرا چند روز بيش از نه ماه را نگفته با اين كه حمل اين مقدار معمول است؟ مى‌توان پاسخ داد كه وقتي متعارف و معمولش نُه ماه است، ديگر اين چند روز احتياجى به بيان ندارد، و معلوم است كه اگر نُه ماه و نُه روز شد بچه زنده مى‌ماند، اين اخبارات، اخبار از واضحات نيست، بلكه اخبار از امورى است كه مفيد فايده‌اى باشد، و لذا چون مازاد بر نه ماه قابل ترديد نبوده آن را ذكر نكرده است، ولى آن كه قابل ترديد است، اين است كه اگر بر خلاف متعارف در كمتر از نه ماه فرزندى به دنيا آمد، جاى شبهه دارد كه آيا يعيش يا لا يعيش، حضرت فرموده زنده مى‌ماند و فقط هشت ماه است كه لا يعيش. ولى از مجموع روايات استفاده مى‌شود كه كه نُه ماه مورد ترديد نيست، بنابراين، حضرت مى‌خواهند اين بيان را مقدمه بيان يك نكته مخفى قرار دهند و آن اين كه حمل، نُه ماه و شش ماه و هفت ماهش اعاشه دارد، ولى هشت ماهش ندارد، و هدف بيان تفاوت هشت ماه با ساير موارد است كه يا اعاشه ندارد و يا اعاشه‌اش واضح نيست.»

ظهور این روایت، نه ماه بودنِ حداکثرِ حمل می باشد؛ اما به واسطه‌ی ضعف وهب بن وهب ( ابوالبختری)[[11]](#footnote-11) این روایت قابل پذیرش نمی باشد.

روایات دیگری نیز وجود دارد که حداکثر حمل را نه ماه بیان کرده اند که آیت الله والد در کتاب نکاح آن ها را بررسی کرده است.

## ادله‌ی «یک سال»

### صحیحه‌ی عبدالرحمن بن الحجاج

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ‏ أَبَا إِبْرَاهِيمَ‏ ع‏ يَقُولُ‏ إِذَا طَلَّقَ‏ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ فَادَّعَتْ حَبَلًا انْتَظَرَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ وَلَدَتْ وَ إِلَّا اعْتَدَّتْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ قَدْ بَانَتْ مِنْهُ.[[12]](#footnote-12)

اگر مردی زنش را طلاق دهد و زن ادعای حاملگی کند، نه ماه صبر می کنند؛ اگر بچه متولد شود، عده منقضی می شود، در غیر این صورت سه ماه دیگر عده نگه می دارد؛ زیرا همچنان احتمال دارد بچه متولد شود.

بعضی این روایت را از ادله‌ی نه ماه دانسته اند و گفته اند سه ماه بعدی حکم تعبدی است.

انْتَظَرَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ در این عبارت مبدا انتظار از زمان ابهام دارد که از زمان طلاق می باشد یا از زمان مباشرت؟ در این مورد توضیح خواهیم داد.

### روایت محمد بن حکیم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ فَلَمَّا مَضَتْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ ادَّعَتْ حَبَلًا قَالَ يُنْتَظَرُ بِهَا تِسْعَةَ أَشْهُرٍ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ حَبَلًا قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ إِنَّمَا يَرْتَفِعُ الطَّمْثُ مِنْ ضَرْبَيْنِ إِمَّا حَبَلٍ بَيِّنٍ وَ إِمَّا فَسَادٍ مِنَ الطَّمْثِ وَ لَكِنَّهَا تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ بَعْد ...[[13]](#footnote-13)

آیت الله والد به عبارت تحْتَاطُ اشاره کرده و می فرمایند: احتیاط به دلیل احتمال حمل می باشد.

### نقل دیگر روایت محمد بن حکیم

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا كَمْ عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ تَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.[[14]](#footnote-14)

تعلیل إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ مشخص می کند که مبدا آن زمان مواقعه می باشد؛ نه زمان طلاق.

براساس این روایت زنی که حیضش بر طرف شده است باید سه ماه عده نگه دارد و اگر پس از سه ماه ادعای حمل کند، باید نه ماه عده نگه دارد و اگر پس از نه ماه باز هم ادعای حمل کند باید سه ماه احتیاط کند و ازدواج نکند. اگر پس از این دوازده ماه باز هم ادعای حمل کند، امام می فرماید: دیگر شکی باقی نیست و اگر بخواهد می تواند ازدواج کند.

1. [تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص60.](http://lib.eshia.ir/10081/1/60/17) [↑](#footnote-ref-1)
2. كتاب نكاح (زنجانى)، ج‌25، ص 7775‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. در کمتر از شش ماه ( مدت زمان مباشرت تا تولد فرزند) بحث لعان مطرح نمی شود، زیرا احتمال حمل وجود ندارد. [↑](#footnote-ref-3)
4. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص505.](http://lib.eshia.ir/10054/1/505/تسعة) [↑](#footnote-ref-4)
5. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص518.](http://lib.eshia.ir/10054/1/518/اربع) [↑](#footnote-ref-5)
6. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص534.](http://lib.eshia.ir/10054/1/534/ارتابت) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص15.](http://lib.eshia.ir/11005/6/15/حمزة) [↑](#footnote-ref-7)
8. كتاب نكاح (زنجانى)، ج‌25، ص 7781‌ [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص52.](http://lib.eshia.ir/11005/6/52/غایة) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص52.](http://lib.eshia.ir/11005/6/52/ولتسعة) [↑](#footnote-ref-10)
11. استاد در کتاب الارث، وهب بن وهب را مفصل بررسی کرده اند. [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/الحجاج) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص102.](http://lib.eshia.ir/11005/6/102/حبلا؟) [↑](#footnote-ref-13)
14. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/الشابة) [↑](#footnote-ref-14)